صاحب الید - صیغه

صاحب الید:

کسی که مالی در اختیار اوست.

صاع:

واحد وزن که تقریباً معادل سه کیلوگرم است.

صبر:

بردباری و شکیبایی.

صبی/ صبیه:

نابالغ.

صحت:

درستی، سلامتی.

صِداق:

مَهر.

صدقات واجبه:

اموالی که مکلف باید در راه های معین، بپردازد ؛ مانند خمس و زکات.

صدقه:

آنچه که بخاطر ثواب و پاداش به فقرا بخشیده شود.

صرع:

نوعی بیماری عصبی است که با لرزش اندام بدن و بعضاً بیهوشی و بی حسی بدن، توأم است.

صَرف:

تبدیل پول ها و تعویض آنها.

صرف برات:

نقد کردن برات ؛ در مواردی که برات به صورت مدت دار تنظیم شده باشد، مثلاً طلبکار زودتر از موعد معین، از بدهکار بخواهد با کسر مقداری از برات، نقداً وجه آن را بپردازد.

صَروره:

رجوع کنید به: حج صروره.

صعب العلاج:

مرضی که درمان و بهبودی آن دشوار باشد.

صغیره:

دختری که به سن بلوغ نرسیده است.

گناه صغیره.

صفا:

کوهی کم ارتفاع در پایین کوه ابوقبیس در کنار مسجد الحرام که نقطه شروع سعی است.

صفیف:

باز بودن بال پرنده در حال پرواز.

صلاة:

نماز.

صلح:

عقدی است که طی آن طرفین رضایت خود را بر تملیک مال، بخشیدن قرض یا اسقاط حق و... اعلام می کنند.

صلح تعلیقی:

عقد صلحی است که بر انجام کار یا پرداخت مال توسط طرفین صلح و یا یکی از آن دو، معلق گشته است.

صوم:

روزه.

صید:

شکار کردن حیوانات وحشی و به دام انداختن آبزیان.

صیغه:

کلماتی که به وسیله آن عقد یا إیقاع محقق می شود.

صیغه عقد دائم:

این است که اگر صیغهٔ عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: زَوّجْتُک نَفْسی عَلَی الصّداقِ الْمَعْلُوم. (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده است)، پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْویجَ. (یعنی قبول کردم این ازدواج را). و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغهٔ عقد را بخواند، چنانچه مثلا اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکلتی فاطِمةَ مُوَکلَک أَحْمَدَ عَلَی الصّداقِ الْمَعْلُوم و بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلتُ لِمُوکلی أَحْمَدَ عَلَی الصّداق.

صیغه عقد موقت:

این است که اگر خود زن و مرد بخواهند صیغهٔ عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: زوَّجتک نَفْسی فِی المُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم، بعد بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلتُ. واگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعتُ موکلتی موکلَک فی المُدّةِ المَعْلُومةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم، بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوکلی هکذا.